

معرفی و نقد کتاب: تحلیلی نقادانه از پیمایش‌های ملی در ایران

علیرضا کریمی^۱


شناسه پژوهشگر (آرکید): ۴۷۶۶-۵۲۳۷-۰۰۰۱-۰۰۰۰

کتاب «تحلیلی نقادانه از پیمایش‌های ملی در ایران» نوشته فاطمه جواهری است که از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به چاپ رسیده است. فاطمه جواهری، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی است و تاکنون کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های متعددی از وی منتشر شده است. جامعه‌شناسی ارتباطات، جامعه‌شناسی پزشکی و روش تحقیق از حوزه‌های تخصصی ایشان است. علاوه بر دانشگاه، همکاری با مؤسسه‌های معتبر فرهنگی و آموزشی از جمله «پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات» و «مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» و برگزاری‌های کارگاه‌های آموزشی از دیگر فعالیت‌های وی در حوزه تخصصی‌شان است.

معرفی کتاب

توجه دولت‌ها به پیمایش‌های ملی تا حدی نشانه مسئله‌شدن «امر اجتماعی» و «افکار عمومی» برای مدیران ارشد کشور و درعین حال گرایش آن‌ها به یک نوع برنامه‌ریزی اجتماعی با تکیه بر دانش اجتماعی برای حل مسائل اجتماعی است. هدف و ضرورت اجرای پیمایش‌های ملی در ارتباط با مسائل و پدیده‌های اجتماعی متمرکز بر شناسایی وضع موجود مسئله اجتماعی، مقایسه آن با دیروز و تأمل در فردای پیش‌روست. بی‌جهت نیست که در جهان جدید به میزانی که کشورها از داده‌ها و اطلاعات بیشتری در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی بهره‌مند شده‌اند، بیشتر به درک و شناخت زمانه خود نائل آمده و ورودشان در حوزه سیاست‌گذاری برای مواجهه با مسائل اجتماعی قرین با موفقیت و دستاوردهای بیشتری بوده است.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. alireza.karimi@khu.ac.ir

	نوع مطالعه: پژوهشی موضوع مقاله: معرفی و نقد کتاب تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰
دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۰۹-۳۰۵	

با توجه به اهمیت پیمایش‌های ملی و سابقه آن در ایران، کتاب موردبررسی پیمایش‌های ملی را که طی سال‌های پس از انقلاب به‌ویژه طی دهه ۷۰ در ایران اجرا شده، در کانون مطالعه خویش قرار داده است. هدف مطرح‌شده در ابتدای کتاب آن است که با تحلیل نقادانه منطق، نظم و نسق درونی و نحوه اجرای پیمایش‌های ملی و بررسی آن‌ها با پیمایش کشورهای دیگر، به یک ارزیابی واقع‌بینانه از آن‌ها بیانجامد و به رفع نقایص و محدودیت‌های پیمایش‌های آتی کمک کند.

پژوهش‌هایی که در این کتاب مورد کنکاش قرار گرفته است، ذیل دو الگوی زیر قابل تفکیک است:

- دسته اول، شامل مواردی مانند پیمایش فرهنگ سیاسی، تدین و دین‌داری ایرانیان، پوشش و حجاب زنان ایرانی، خانواده ایرانی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و مصرف کالا‌های فرهنگی است که به‌طور نسبی از فراوانی بیشتری هم برخوردارند و ذیل رهیافت «ساختار نظام ارزش‌ها» قابل جمع هستند.
- دسته دوم، شامل پیمایش‌های کیفیت زندگی، سلامت اجتماعی و سرمایه اجتماعی است که با اندکی تسامح ذیل رهیافت «وضعیت اجتماعی» قرار می‌گیرند.

در این میان، پیمایش‌هایی که موضوع آن‌ها به‌طور خاص معطوف به «مسائل اجتماعی ایران» باشد، کمتر به چشم می‌آید. شاید به آن دلیل که چنین موضوع‌هایی از سوی سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوط به‌طور مستقل مطالعه می‌شوند. به‌عنوان مثال می‌توان به پیمایش ملی اعتیاد اشاره کرد که تحت نظر سازمان مبارزه با مواد مخدر اجرا می‌شود.

کتاب «تحلیلی نقادانه از پیمایش‌های ملی در ایران» در شش فصل به همراه بخش منابع و پیوست، نگارش شده است. فصل اول با عنوان «کلیات»، از سه محور اصلی یعنی چهارچوب مفهومی، چهارچوب تحلیلی و چهارچوب روش‌شناختی تشکیل شده است. در بخش چهارچوب مفهومی به بیان مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده در پیمایش‌ها مانند تعریف پیمایش، اعتبار، پایایی و انواع خطاهای رایج در پیمایش‌ها پرداخته شده است. چهارچوب تحلیلی بیشتر متمرکز بر جهت‌گیری بازاندیشانه بر اساس آرای پیر بوردیو است. چهارچوب روش‌شناختی کتاب مبتنی بر دو هدف اصلی یعنی نقد درونی پیمایش‌ها و نقد بیرونی آن‌ها تهیه شده است. به‌منظور دستیابی به این اهداف از روش‌های مختلفی استفاده شده است که از جمله می‌توان به مطالعه اسنادی به همراه تحلیل محتوای کمی و کیفی ۲۴ پیمایش ملی منتخب و پیمایش‌های ملی دیگر کشورها، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۲۹ نفر از مطلعین کلیدی در زمینه پیمایش‌های ملی، نظرسنجی از پژوهشگران و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مرور نظام‌مند پژوهش‌ها اشاره نمود.

در فصل دوم تاریخچه پیمایش‌های ملی در ایران و جهان مورد بررسی قرار گرفته است. مروری بر تجربه کشورهای مختلف به این واقعیت دلالت دارد که به‌رغم آن‌که پیمایش‌های ملی در بنیان خود بسیار موقعیت‌مدار هستند و از ضرورت‌ها و الزامات داخلی هر کشور متأثر هستند، اما به‌طور مطلق پدیده‌ای بومی و ملی نیستند؛ زیرا از حیث موضوع، الگوی کار و شیوه اجرا مشابه آن چیزی هستند که در کشورهای دیگر انجام می‌شود. شکل خاصی از پیوند میان دانش و قدرت را در بسط ایده پیمایش‌های ملی و فراملی می‌توان بازشناخت؛ به‌عنوان مثال ایده‌هایی مانند «گذار به دموکراسی» و «حکمرانی خوب» در این زمینه اهمیت فراوانی دارند.

در ایران نیز مانند کشورهای دیگر عموماً پیمایش‌های ملی با مناسبات قدرت و فرهنگ سیاسی دولت‌های وقت ربط وثیقی داشته و همچنان دارد. در ایران روند توسعه طرح‌های ملی چندان ساده و سراسر نبوده است و آن‌ها به خاطر آثار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌شان با انواعی از مقاومت‌ها مواجه بوده‌اند. صرف‌نظر از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک دولت‌های مختلف و به‌رغم مقاومت‌هایی که در برابر پیمایش‌های ملی اعمال شده یا می‌شود، به نظر می‌رسد اکنون ضرورت اجرای پیمایش‌های ملی به یک ایده مقبول و جاافتاده تبدیل شده است. بی‌تردید پیمایش‌های ملی ایران از حیث محتوا و رویه اجرا از پیمایش‌هایی که به‌طور معمول در سایر کشورها به‌ویژه کشورهای پیشرفته انجام می‌شود، تأثیر پذیرفته و با آن‌ها مشابهت‌هایی دارد، اما وجوه تفاوت و تمایز آن‌ها هم به قوت خود باقی است و برای مثال، برخلاف کشورهای غربی که در اغلب موارد دانشگاه‌های آن‌ها یکی از مشارکت‌کنندگان اصلی در برنامه‌ریزی و اجرای پیمایش‌های ملی هستند، در ایران این فعالیت منفک از بدنه دانشگاه شکل می‌گیرد و انجام می‌شود. در کشورهای پیشرفته انجام پیمایش بیشتر در قالب یک کار گروهی انجام می‌شود و خصلت بین‌سازمانی دارد، به این معنا که آن‌ها به‌طور هم‌زمان از حمایت مالی و فکری چند سازمان مختلف برخوردار می‌شوند؛ اما در ایران پیمایش‌ها بیشتر در چهارچوب قدرت و نظارت سازمان سفارش‌دهنده تحقیق، محصور می‌ماند.

فصل سوم به ارزیابی وجوه روش‌شناختی پیمایش‌های ملی پرداخته است. هفت معیار برای ارزیابی و نقد درونی ۲۴ پیمایش ملی مورد استفاده قرار گرفته است که شامل صحت محتوا، صحت نمونه‌گیری، شفافیت، صحت گردآوری اطلاعات، صحت گزارش، مقایسه‌پذیری و سازگاری است. به‌رغم مزایای فراوان پیمایش‌ها، نمی‌توان نقایص و محدودیت‌های آن‌ها را نادیده گرفت. این نقایص در درجه اول به مشکلاتی در طراحی محتوای پژوهش و یا به شیوه اجرای آن مرتبط است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ابهام در معیار انتخاب مجری: در این مورد ضابطه تعریف‌شده‌ای وجود ندارد و فراخوان عمومی هم داده نمی‌شود. در عوض بیشتر بر اساس شهرت، سابقه و اعتماد میان‌فردی عمل می‌شود. این شیوه انتخاب مجری با درجه‌ای از انحصارگرایی همراه است؛

- نامکفی بودن روایی و پایایی سنجه‌ها: اعتبار و پایایی سنجه‌های تحقیق یا به‌درستی محاسبه نمی‌شود یا اگر هم چنین اقدامی صورت گیرد، اطلاعات آن در متن تحقیق گزارش نمی‌شود؛
- تعدد پرسش‌ها: پرسش‌های زیاد بر دقت پاسخگویی و صحت عمل پرسشگر اثر منفی می‌گذارد؛
- عدم شفافیت: اغلب در متن گزارش درباره شیوه ساختن سنجه‌ها و شاخص‌های تحقیق، طرح نمونه‌گیری یا سایر جزئیات پژوهش توضیح کافی داده نمی‌شود؛
- نابسند بودن فرایند نظارت: نظارت بر اجرای پیمایش‌ها به‌ویژه در قسمت گردآوری اطلاعات ضعیف است؛

- ضعف در تحلیل و تفسیر؛
- عدم تکرار منظم پیمایش‌های ملی به‌گونه‌ای که برخی از آن‌ها را به جزیره تک‌افتاده تبدیل کرده است؛
- محدودیت محققان و پژوهشگران در دسترسی به متن گزارش یا فایل اطلاعات آن‌ها سبب شده است دستیابی به پیمایش‌های ملی دشوار شود.

فصل چهارم با عنوان «پیمایش‌های ملی و نظام دانش» به دنبال پاسخ به این سؤال است که صرف نظر از آثار کاربردی پیمایش‌ها، آن‌ها در اجتماع علمی منشأ چه نوع تأثیراتی بوده یا هستند و آیا توانسته‌اند به توسعه دانش کمک کنند. پیمایش‌های ملی برای پیشرفت دانش جامعه‌شناسی ایران آورده‌های مثبتی داشته است. آن‌ها اعضای اجتماع علمی را از نگرش‌ها و ارزش‌های آحاد جامعه مطلع ساخته‌اند و به فهم جامعه‌شناسان از ترجیحات و کردار مردم عمق و وضوح بخشیده‌اند.

اگر بپذیریم که جامعه‌شناسی به یک اعتبار دارای چهار سنخ حرفه‌ای، سیاسی، انتقادی و حوزه عمومی است، می‌توان گفت با وجود این‌که یافته‌های پیمایش‌های ملی در همه حوزه‌های یادشده به کار می‌آیند، اما در ظاهر بیشترین قرابت را با جامعه‌شناسی سیاسی دارند. با همه این اوصاف نمی‌توان این واقعیت را از نظر دور داشت که در ایران به دلیل مشکل دسترسی به اطلاعات پیمایش‌ها و به خاطر ضعف شبکه تعاملات علمی، آنچه پیمایش‌ها عرضه می‌کنند به سادگی به یک ظرفیت فعال و پویا و به یک گفتار غالب که مولد زایش‌های علمی جدید باشد، تبدیل نمی‌شود. پیمایش‌ها توفیق چندانی نداشته‌اند که منشأ یک جریان فکری، مفهوم‌پردازی و نظریه‌پردازی تازه باشند، از این‌رو در ثمردهی درخت علم سهم شایان توجهی نداشته‌اند. تولید داده‌های معتبر در صورتی‌که به آرشیو داده‌های ملی تبدیل نشود و دسترسی به آن‌ها ناممکن باشد، نمی‌تواند به توسعه دانش کشور بیانجامد.

فصل پنجم به پیمایش‌های ملی و مقوله سیاست‌گذاری اختصاص دارد. سؤالات اصلی این فصل عبارت‌اند از:

- پیمایش‌های ملی در نظام سیاسی ایران چه جایگاهی دارند؟

- برای انتقال اطلاعات پیمایش‌های ملی به مسئولان جامعه چه اقداماتی صورت می‌گیرد؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت شواهد چندانی در دست نیست که به‌طور دقیق نشان دهد در ایران اطلاعات علمی چطور، تا چه حد و از چه مجرای با عرصه سیاست‌گذاری ربط پیدا می‌کنند، لذا جایگاه پیمایش‌های ملی در نظام سیاست‌گذاری کشور مبهم است. انتقال اطلاعات پیمایش‌های ملی به مسئولان به صورت‌های مختلفی صورت می‌گیرد که ارائه گزارش‌های مکتوب، شفاهی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی از جمله راه‌های انتقال است.

فصل ششم که سخن آخر کتاب است به جمع‌بندی و ارائه راهکارهای نویسنده در جهت بهبود کیفیت پیمایش‌های ملی و افزایش بهره‌وری آن‌ها اختصاص دارد. یکی از نکات اصلی فصل این است که پیمایش‌های ملی در ایران از حیث شیوه تولید و صورت‌بندی محتوا مشابه هم‌تایان خارجی است؛ اما تفاوت‌های اصلی در مرحله توزیع، انتشار و به‌کارگیری آشکار می‌شود. محدودیت‌هایی که در زمینه توزیع و دسترسی به این پیمایش‌ها برای محققان وجود دارد، مانع از مشارکت پژوهشگران در استفاده و نقد یافته‌های پیمایش شده است.

بخش پایانی کتاب که بعد از فهرست منابع قرار دارد، بخش «پیوست» است. این بخش در حدود یک‌سوم از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است و شامل ۱۱ تک‌نگاشت درباره پیمایش‌های ملی در ایران به قلم محققان مختلف است.

نقد و بررسی

فقدان یا کمبود آثاری مانند کتاب «تحلیل نقادانه‌ای از پیمایش‌های ملی در ایران» در میان آثار جامعه‌شناسی ایران بالأخص در بخش روش تحقیق محسوس است. چنین آثاری می‌توانند شناختی از پژوهش‌های ملی برای محققان کشور فراهم کنند که به هر دلیل امکان بررسی و حتی شناختی از وجود چنین پژوهش‌هایی در کشور ندارند. در این کتاب تلاش شده است با نگرش انتقادی، به بازاندیشی در مهم‌ترین پیمایش‌های ملی در ایران عمدتاً بعد از دهه ۷۰ پرداخته شود که یک نوآوری است. نگرش انتقادی و بازاندیشانه به پیمایش‌های ملی که به‌عنوان مهم‌ترین نقطه‌قوت کتاب در فصل اول به آن اشاره شده است، آن‌چنان‌که انتظار می‌رود در طول کار مورد توجه قرار نگرفته است. درحالی‌که چهارچوب مناسبی از پیمایش‌ها ارائه و معرفی شده است و زمینه بسیار مناسبی برای نقد آن‌ها فراهم بود، اما بخش دوم یعنی نقد به‌خوبی پرداخت نشده است. نقدهای وارد شده به پیمایش‌ها بیش از آن‌که جنبه محتوایی داشته باشد، مربوط به ویژگی‌های عمومی پیمایش‌ها است. وفادار ماندن محقق به آنچه در فصل اول به‌عنوان هدف اصلی مطرح کرده بود یعنی بررسی پیمایش‌ها با رویکرد انتقادی در بخش محتوا، می‌توانست بیش از پیش به غنای اثر کمک کند. شاید این موضوع می‌تواند تا حدی ناشی از فقدان یک رویکرد نظری مشخص و عمیق در ارتباط با بررسی و نقد پیمایش‌ها باشد، به‌گونه‌ای که تمامی پیمایش‌ها در بستر این رویکرد نظری مورد بررسی و نقد قرار گیرند. در بخشی از پژوهش دسته‌بندی پیمایش‌ها بر مبنای دو شاخص «ساختار نظام ارزش‌ها» و «وضعیت اجتماعی» صورت گرفته و سپس رها شده است و در بخش‌های دیگر پژوهش از این دسته‌بندی استفاده‌ای نشده است. وجود چنین دسته‌بندی‌هایی می‌توانست بررسی پیمایش‌ها و نقد آن‌ها را دقیق‌تر و عمیق‌تر نماید. وقتی که ۲۴ پیمایش مورد بررسی بدون دسته‌بندی مشخص و در یک گروه تحلیل می‌شوند (درحالی‌که موضوعات و مسائل آن‌ها متفاوت است)، می‌تواند بر دقت تحلیل اثرگذار باشد.

در بررسی پیمایش‌ها ادعا شده است پیمایش‌هایی که موضوع آن‌ها به‌طور خاص معطوف به مسائل اجتماعی ایران باشد، کمتر به چشم می‌خورد. بررسی عناوین پیمایش‌ها نشان می‌دهد که موضوعاتی مانند سلامت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، پوشش و حجاب زنان و مصرف کالاهای فرهنگی و تغییرات آن‌ها همواره برای دولت‌ها مسئله بوده‌اند و از این رو به دنبال بررسی و رصد این مسائل بوده و هستند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که تعریف مسئله اجتماعی چیست که چنین مسائلی در قالب مسائل اجتماعی دسته‌بندی نمی‌شوند؟

افزایش تعداد چنین آثاری در قالب کتاب و مقاله از نیازهای حوزه پژوهش در کشور است و خلأ آن‌ها احساس می‌شود. بالأخص اگر تولید این آثار با یک رویکرد نظری باشد، می‌تواند نقاط ضعف و خلأ پیمایش‌ها را بیشتر نمایان سازد و به‌عنوان راهنمایی برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.